

فراخوان اهل قبله

امت واحد و سرنوشت مشترک

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (القرآن الکریم، ۲۳: ۵۲)

«والبته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید.»

پیشگفتار

«فراخوان اهل قبله» پیش رو بیانگر امید صادقانه‌ای است که تمامی ارکان امت اسلامی، به نمایندگی از سوی علما، رهبران فکری و مراجع دینی، در آن سهیم هستند. این فراخوان، آرمانی مشترک را منعکس می‌کند؛ آرمانی برای فراتر رفتن از تقسیمات موجود در امت—علی‌رغم مکاتب فکری متنوع و اختلافات عقیدتی آن—و حرکت به سوی تفاهم متقابل بیشتر و وحدت در مواجهه با چالش‌های مشترک.

این امید در قالب ابتکار عملی ملموس از طریق فراخوان تاریخی برای گفتگوی درون‌اسلامی توسط حضرت پروفیسور دکتر احمد الطیب، امام اکبر الازهر و رئیس شورای حکمای مسلمان، در سخنرانی ایشان در انجمن گفتگوی بحرین در نوامبر ۲۰۲۲ شکل گرفت. این فراخوان مهم، آغازگر تلاشی پایدار و گسترده توسط شورای حکمای مسلمان بود که زمینه‌ساز برگزاری کنفرانسی جامع شد تا علما و مراجع دینی از سراسر جهان اسلام را گرد هم آورد. این ابتکار از آن زمان راه را برای گفتگوی درون‌اسلامی ماندگار هموار ساخته است.

دبیرخانه کل شورای حکمای مسلمان رایزنی‌های گسترده‌ای با شخصیت‌ها و مراجع برجسته دینی داشت و همچنین بازدیدهای متعددی از کشورهای مختلف اسلامی ترتیب داد. از جمله این تلاش‌ها، دو بازدید مهم از عراق بود که طی آن جلساتی با مراجع و شخصیت‌های کلیدی دینی برگزار شد. این دیدارها شامل گفتگو با فرزندان آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی و همچنین شیخ عبدالمهدی کربلایی، نماینده مرجعیت عالی دینی، در کنار بسیاری از علما و شخصیت‌های سنی و شیعه در نجف، بغداد و سایر مناطق عراق بود.

علاوه بر این، این تلاش‌های ارتباطی به علمای سراسر جهان اسلام گسترش یافت که نماینده سنت‌های مختلف اسلامی بودند، از جمله مراجع و علمای برجسته از ایران، لبنان و سایر کشورها. این تلاش‌ها به برگزاری کنفرانس گفتگوی درون‌اسلامی منجر شد که به میزبانی پادشاهی بحرین و تحت حمایت ارجمند اعلیحضرت پادشاه حمد بن عیسی آل خلیفه برگزار گردید. این کنفرانس با حضور حضرت امام اکبر پروفیسور دکتر احمد الطیب، همراه با بیش از ۴۰۰ تن از علما، مراجع دینی و اندیشمندان از سراسر جهان اسلام برگزار شد. این رویداد را الازهر شریف، شورای عالی امور اسلامی پادشاهی بحرین و شورای حکمای مسلمان به طور مشترک سازماندهی کردند و از ۲۰ تا ۲۱ شعبان ۱۴۴۶ هجری قمری، مطابق با ۱۹ تا ۲۰ فوریه ۲۰۲۵ میلادی برگزار شد.

این کنفرانس سرانجام با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان «فراخوان اهل قبله» پایان یافت؛ اعلامیه‌ای که تجسم روح وحدت، هماهنگی و تفاهم متقابل منعکس شده در نتایج کنفرانس است. این فراخوان به‌مثابه نقطه اوج گفتگوهای پیشین و همچنین مباحثات برگزار شده در طول رویداد، با هدف شکل‌دادن به چشم‌اندازی مشترک برای همکاری و تقویت روابط نزدیک‌تر میان اعضای امت متحد اسلامی محسوب می‌شود.

قاضی محمد عبدالسلام

دبیرکل شورای حکمای مسلمان

بنیان و جوهره این فراخوان در وحدت امت اسلامی نهفته است که پروردگارش آن را یک امت قرار داده است؛ امتی معتدل (أُمَّةٌ وَسَطًا) و بهترین امتی که برای بشریت برانگیخته شده است. این وحدت، اساسی استوار و خلل ناپذیر برای تقویت محبت و دلسوزی میان اعضا و ملل آن و برای پرورش برادری حقیقی میان تمامی اهل قبله (یعنی همه مسلمانان) می باشد.

این برادری ریشه‌ای عمیق و استوار دارد که گستره‌ای فراتر از صرف مجاورت یا تقارب دارد؛ نه از منظر جغرافیایی، زیرا مردم این امت قرن‌هاست که در هماهنگی با یکدیگر در جوامع و ملت‌های خود زیسته‌اند، و نه از دیدگاه عقیده، اندیشه یا شعور، زیرا همه آنها از یک منبع سرچشمه می‌گیرند: وحی الهی قرآن کریم و هدایت نبوی که آخرین پیامبرشان، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) برای آنها به جا گذاشته است. این منابع شکل‌دهنده تلاش‌های علمی و مراجع معتبر این امت بوده، موجب ظهور مکاتب مختلف کلامی و فقهی آن گردیده، پرچم‌های آن را در سراسر جهان برافراشته، و زندگی اجتماعی، اقتصادی و فکری آن را غنا بخشیده است.

در حالی که این حقایق مسلم را مجدداً تأیید می‌کنیم و در پیامدهای آن تأمل می‌نماییم، باید روشن سازیم که این فراخوان در پی نادیده گرفتن اختلافات عقیدتی یا عوامل طبیعی و تاریخی که در شکل‌گیری آنها نقش داشته‌اند، نیست. بر این اساس، این اختلافات در زمره اهداف فراخوان امروز قرار ندارند. از همان ابتدا تأکید می‌کنیم که تنوع کلامی و فقهی، واقعیتی مشروع است که باید دست‌نخورده باقی بماند. هرگونه تلاش برای ادغام این مکاتب فکری در یک مکتب واحد یا تحمیل یکنواختی به گونه‌ای که ویژگی‌های متمایز آنها را محو کند، نه ممکن است و نه معقول - بنابراین، هدفی نیست که باید دنبال شود.

آنچه «فراخوان اهل قبله» امروز - با اتفاق نظر علمای برجسته و رهبران فکری گرد هم آمده در این کنفرانس - اعلام می‌کند، ضرورت شناخت ارکان اساسی توسط اعضای امت اسلامی است که به آن امکان می‌دهد تا نوزایی و حضور فعال خود را هم در صحنه اسلامی و هم در صحنه جهانی باز یابد.

وحدت امت اسلامی، میثاقی مقدس و منشوری محفوظ است و هرگز نباید مورد مصالحه یا غفلت قرار گیرد. این یقینی است که باید آگاهانه حفظ شود، در رفتار منعکس گردد، و در روش‌ها و گفت‌وگوها جای گیرد تا بنایی بلندمرتبه باقی بماند که تنوع را می‌پذیرد و جایگاهی فراتر از ملاحظات ملی، قومی و فرقه‌ای پیدا می‌کند. نه اختلافات زودگذر و نه چالش‌های خارجی نباید اجازه یابند که آن را تضعیف یا تجزیه کنند.

پیش‌نیازهای حفظ برادری اسلامی

در پایان کنفرانس گفتگوی درون‌اسلامی که در بحرین برگزار شد، و پس از مباحثاتی عمیق، شرکت‌کنندگان به این اجماع رسیدند که پیش‌نیازهای حفظ وحدت اسلامی به شرح زیر است:

۱. حفظ برادری و تقویت مجاری تفاهم متقابل میان همه مسلمانان، در سطح علمی و رسانه‌ای، ضمن تأیید مشروعیت تنوع عقیدتی. این اصل در میراث غنی ما ریشه دارد و در این قاعده طلایی خلاصه می‌شود: «در مواردی که توافق داریم، همکاری می‌کنیم و در موارد اختلاف، یکدیگر را معذور می‌داریم.»

۲. تقویت تفاهم فکری و عقیدتی میان علمای امت و نهادهای دانشگاهی آن، ضرورتی راهبردی است. این امر مستلزم حمایت از گفتگوی سازنده علمی، گسترش فرصت‌های برگزاری گردهمایی‌های علمی، و ترویج آزادی فکری و اجتهاد مستقل است. باید از تمام امکانات موجود برای تحکیم دانش مشترک استفاده کرد. در عین حال، هوشیاری مداوم در برابر طرح‌های تفرقه‌افکن، صدا‌های تفرقه‌انگیز و فراخوان‌های دشمنی ضروری است. باید با این تهدیدها با بصیرت راهبردی دقیق برخورد نمود و آنها را به عنوان خطرات نهفته برای وحدت امت و انسجام بافت تمدنی آن شناخت.

۳. خطراتی که مسلمانان، به عنوان یک امت متحد، با آن مواجه هستند، همراه با کارزارهای هدفمند علیه آنان، از جمله تجاوز مستقیم به سرزمین‌ها و اماکن مقدس آنها، چالشی مشترک است که همه را تهدید می‌کند. این تهدیدات بی‌امان در پی ایجاد تفرقه و انسداد مسیر وحدت و پیشرفت هستند. چنین خطرات فراگیری (هم از نظر دینی و هم عقلانی) ایجاب می‌کند که ما بر پایه یک کلمه مشترک و چشم‌اندازی واحد متحد شویم و همکاری و همبستگی را میان ملت‌ها و اقوام امت تقویت کنیم. این امر برای اطمینان از حفاظت سرزمین‌های اسلامی، آزادی قلمروهایشان، و حراست از اماکن و نمادهای مقدس آنها ضروری است.

۴. علمای امت که امروز در کشور مهمان‌نواز پادشاهی بحرین گرد هم آمده‌اند، سفری طولانی و دشوار را برای رسیدن به لحظه توافق بر سر «فراخوان اهل قبله» طی کرده‌اند. به لطف الهی، آنها به لحظه‌ای سرنوشت‌ساز رسیده‌اند؛ لحظه‌ای که خالصانه دعا می‌کنیم پایان تفرقه و نزاعی باشد که پروردگارمان نسبت به آن هشدار داده است: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (القرآن الکریم، ۸: ۴۶) یعنی «از خدا و رسولش اطاعت کنید و به کشمکش و نزاع بر مخیزید که سست و بددل شوید و مهابت شما از میان برود». چنددستگی مغایر با پیام پیامبر بزرگوارمان (صلی الله علیه وآله وسلم) به تمام مسلمانان، و نیز رهنمود اهل بیت شریف ایشان (علیهم السلام)، صحابه بزرگوار، رضوان الله علیهم اجمعین، و پیشوایان بزرگوار و فقهای پیشرو اسلام در تمام مکاتب فکری آن است.

۵. علما و مراجع دینی امت - که در اینجا به نمایندگی از حضرت پروفیسور دکتر احمد الطیب، امام اکبر الازهر و رئیس شورای حکمای مسلمان، همراه با سایر علمای همراه ایشان از تمامی مکاتب فکری اسلامی حضور دارند؛ از امانت عظیمی که بر دوش آنان نهاده شده و مسئولیت سنگینی که به ویژه در این شرایط بحرانی بر عهده دارند، کاملاً آگاه هستند. آنان وظیفه

خود را در انتقال جوهره حقیقی اسلام به مردم امت و حفظ پیوندهای مقدس برادری میان تمام مسلمانان می‌دانند و هر آنچه را که این بنیان‌ها را تضعیف یا پیوندهای آنها را قطع کند، اکیداً ممنوع می‌شمارند.

۶. تأیید این اصل که همه مسلمانان متعلق به یک امت واحد هستند، که در آن وفاداری به فرقه یا مذهب هرگز نباید، و در حقیقت هرگز نمی‌تواند، بر وفاداری به خود امت اولویت داشته باشد. اگرچه طبیعی و محترم است که احساسات مشروع وفاداری فرقه‌ای را به رسمیت بشناسیم، اما خرد حکم می‌کند که چنین وابستگی‌هایی هرگز نمی‌بایست به تعصبی تبدیل شوند که وحدت امت را به خطر اندازد.

۷. یادآوری مستمر به علمای تمام مکاتب فکری اسلامی در مورد مسئولیتشان در برابر خداوند، در برابر امت، و در برابر تاریخ. آنان باید تعهدات مطرح شده در این فراخوان را رعایت کنند و فعالانه به «فراخوان اهل قبله» بپیوندند که تنها یک هدف را دنبال می‌کند: بهروزی و رفاه همه مسلمانان، رفاه کل جهان (شرق و غرب) و برقراری صلح و عدالت جهانی.

ارکان برادری اسلامی

این فراخوان بر اساس اصول محوری زیر بنا نهاده شده و به آن‌ها پایبند است:

- قرآن کریم و پیامبر خاتم (ص) به عنوان اساس دین: قرآن کتاب راهنمای جاودانه امت، و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) آخرین پیامبر و خاتم مرسلین است. آن‌ها منابع دین اسلام، سرچشمه اعتقادی آن، چراغ هدایت بصیرت ما، سنگ بنای رسالت تاریخی ایمان، و اساس قبله واحد و شریعت پایدار هستند. تأکید بر این نکته ضروری است که عصر نبوت، همانگونه که در سیره و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مستند شده، دوره‌ای نمونه از وحدت مسلمانان بوده است.
- اختلاف، قانونی جهانی و واقعیتی انسانی است: تنوع میان انسان‌ها بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد. این حکمی الهی، بخشی از شرایط طبیعی انسانی، و واقعیتی بنیادین از حیث تاریخی و اجتماعی است؛ واقعیتی که مسلمانان نیز از آن مستثنی نیستند.
- آزادی، پیش‌نیاز تکلیف است: خداوند به انسان‌ها آزادی اندیشه و عمل عطا کرده و آن را اساس حسابرسی و مسئولیت سپرده شده به آنان قرار داده است. اگر قرآن آزادی انتخاب در ایمان را تضمین می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (القرآن الکَرِیم، ۱۸: ۲۹) یعنی «بگو: سخن حق از جانب صاحب‌اختیاران [آمده] است؛ هر که خواهد، ایمان آورد و هر که خواهد، کفر ورزد»، پس حق انتخاب مکتب فکری و رویکرد دینی، امری بس ریشه‌ای و غیرقابل انکار است.

- تکثرگرایی عقیدتی، واقعیتی تاریخی است: این پدیده از قرن اول اسلامی، از آن هنگام که اختلافات بر سر مشروعیت خلافت پدیدار شد، در امت ریشه یافته است. با گذشت زمان، این اختلافات به دلیل شرایط تاریخی که توسط نسل‌های پیشین به روش‌های مختلف تفسیر شده‌اند، پایدار ماند.
- مشروعیت اجتهاد، توسط علمای واجد شرایط که شروط آن را برآورده می‌کنند و از ضوابط آن پیروی می‌نمایند، به عنوان تنها راه تشخیص حقیقت: تنوع مکاتب فکری اسلامی، در جوهر خود، انعکاسی هستند از اجتهاد علمی، که تلاش فکری صادقانه‌ای برای تشخیص حقیقت است. این امر نشان‌دهنده جستجوی دقیق برای فهم حقیقت است که به واسطه اصول اسلامی و سنت‌های علمی وضع شده است. اجتهاد حوزه‌ای وسیع از پژوهش و اکتشاف است، نه میدان نبرد برای درگیری.
- تنوع مکاتب فکری اسلامی: تجلی تلاش جهانی برای حقیقت: اساساً، تنوع میان مکاتب فکری اسلامی منعکس‌کننده تلاش هر مکتب برای پایبندی به شواهد و رعایت اقتضائات آن، و نیز جستجوی دقیق برای تفسیر اصیل دین است. این بر اساس اصول بنیادین اسلامی و روش‌های به ارث برده شده فقه و کلام خاص هر مکتب است؛ آن‌گونه که به طور گسترده‌ای شناخته شده است.
- اختلاف نظر در درون هر مکتب وجود دارد: تنوع دیدگاه‌ها نه تنها میان مکاتب مختلف اسلامی، بلکه درون هر مکتب نیز آشکار است. در برخی موارد، اختلافات داخلی در یک مکتب واحد ممکن است از تفاوت‌های میان مکاتب متمایز فراتر رود. این تأیید می‌کند که اختلاف عقیدتی نه عامل تفرقه، بلکه سنتی فکری و مستقر است که به جای تضعیف وحدت، به آن غنا بخشیده و تقویت می‌کند.
- احترام تنها از طریق تفاهم متقابل حفظ می‌شود: کاملاً طبیعی و موجه است که پیروان هر مکتب فکری، میراث فکری و فقهی خود را که توسط شرایط منحصر به فرد دوران خود، تأثیرات عقیدتی، و زمینه‌های سیاسی شکل گرفته پذیرا باشند. احترام متقابل به این میراث و تنوع آن، و تعامل با این تنوع در فضایی از انصاف، احترام، و شناخت متقابل، اساس احترام به آزادی فکر و عقیده است. این اصول در قانون تثبیت شده، هم از منظر عقلی و هم عملی، مورد توافق بوده و به طور گسترده توسط علما و صاحب‌نظران تأیید شده است. این فراخوان، ان‌شاءالله، تجسم آن اجماع است.
- مکاتب شناخته‌شده اسلامی، نهادهای فکری معتبری هستند: اختلافات میان آنها هرگز نباید به عنوان تضاد یا زمینه‌ای برای نفاق در نظر گرفته شوند. روابط میان این مکاتب باید صرفاً بر اساس همکاری، نصیحت متقابل، حسن نیت و برادری باشد.
- نیات را باید تنها به خداوند واگذار کرد: همانطور که در تمام مکاتب فکری اسلامی به طور یکسان تأیید شده است، مسئله شناخت نیات منحصرأً متعلق به خداوند متعال است. تنها اوست که پاداش و مجازات را در آخرت تعیین می‌کند. هیچ عالمی، صرف نظر از دانش یا جایگاه خود، حق ندارد با قضاوت در مورد سرنوشت کسانی که از مکتب فکری متفاوتی

پیروی می‌کنند، جایگاه اقتدار الهی برای خود متصور نموده و آن‌ها را به چیزی مجبور کرده یا آزادی‌های آنها را در این دنیا محدود نماید.

- مسلمانان باید به جای گذشته، بر حال و آینده تمرکز کنند: کسانی که در نسل‌های گذشته زندگی می‌کردند، حساب خود را پیش خداوند دیده‌اند، چه به ثواب و چه به عقاب. مسئولیت ما در پرداختن به واقعیت‌های کنونی و شکل دادن به آینده خود است، نه تأمل بر اعمال اسلاف‌مان. همانطور که قرآن می‌فرماید: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (القرآن الکریم، ۲: ۱۳۴) یعنی «آنان امتی بودند که دوران‌شان سپری شد؛ آنان [نتیجه] دستاورد خویش را دارند و شما نیز [نتیجه] دستاورد خویش را خواهید داشت و مسؤول اعمال آنان نخواهید بود.»
- حکمت و چالش‌های پیش روی مسلمانان امروز ایجاب می‌کند که منازعات و اختلافات گذشته به درس‌های ارزشمندی تبدیل شوند که الهام‌بخش وحدت و پیشرفت باشند. امت باید به تحلیلی نو و دقیق از واقعیت کنونی و چشم‌انداز آینده خود بپردازد.
- گفتگو فضیلتی اسلامی است که توسط قرآن بنیان نهاده شده است: قرآن اصول گفتگو را ترسیم کرده و آن را به سوی حکمت، اندرز نیکو، و ارتباط با دیگران به بهترین شیوه ممکن هدایت می‌کند. گفتگو درون خود امت حتی مهم‌تر، ضروری‌تر و الزام‌آورتر است.
- گفتگویی که در اینجا در نظر گرفته شده، گفتگو با خویش‌نشدن است؛ گفتگویی که باید با صداقت و خودشناسی انجام شود و شامل درون‌نگری، انتقاد از خود، و تأمل صادقانه باشد. ال‌زهر در فراخوان تاریخی خود برای گفتگوی درون‌اسلامی در بحرین در سال ۲۰۲۲ تأکید کرد که «اصول این گفتگو باید شامل پایان دادن به سخن نفرت‌آفرین متقابل، توقف خطابه‌های تحریک‌آمیز و اتهامات تکفیر، و فراتر رفتن از منازعات تاریخی و معاصر در تمام اشکال و تجلیات منفی آنها باشد.» علاوه بر این، بیانیه‌ای مهم از سوی مرجعیت عالی شیعه در عراق تأیید کرد: «اهل سنت خود ما هستند.» این اعلامیه، همراه با بیانات مشابه از مراجع برجسته دینی و علمی، منعکس‌کننده تعهد به وحدت، احترام و رفاه جمعی امت است.

این فراخوان همچنین تأیید می‌کند که «همه مسلمانان، خود ما هستند.» همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «فَسَلِّمُوا عَلٰی أَنْفُسِكُمْ» (القرآن الکریم، ۲۴: ۶۱) یعنی «بر یکدیگر سلام کنید». هر مسلمان جزء جدایی‌ناپذیر پیکر متحد امت، بخشی اساسی از بافت آن، و در برگیرنده تمام مکاتب فکری و سنت‌های اسلامی است.

- اساس گفتگو در اصول مشترکی نهفته است که این مکاتب فکری را متحد می‌کند، اصولی که حاشیه‌ای برای اختلافات تفسیری و تنوع در فهم را به رسمیت می‌شناسند، در عین حال که به قرآن کریم، سنت مورد توافق پیامبر خاتم، و هدایت

سلف صالح (از جمله اهل بیت پیامبر، صحابه ایشان، و فقهای پیشروی مورد پیروی امت) پایبند هستند. این پایبندی باید عاری از تفسیر افراطی یا انحراف از زبان عربی صریح وحی الهی، مطابق با اصول مستقر دین و اهداف کلان آن باشد.

بر اساس این اصول، ما باید از ذهنیت نفاق، که اغلب کسانی را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند بیگانه می‌سازد، به فرهنگ تنوعی که همه را در بر می‌گیرد، گذر کنیم. این امر مستلزم پایبندی به اخلاق تکثرگرایی و معیارهای والای گفتگو قرآنی است.

- ضروری است که به هرگونه توهین، خواه صریح یا ضمنی، علیه شخصیت‌های محترم هر مکتب فکری اسلامی فوراً و قطعی پایان داده شود. این با هشدار خداوند به مؤمنان در مورد توهین به خدایان دروغین در این آیه قرآنی هماهنگ است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (القرآن الکریم، ۶: ۱۰۸) یعنی «به معبودانی که به جای خدا [به نیایش] می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان هم با انگیزه تجاوز [از حق] و از سر جهالت خدا را مورد ناسزا قرار دهند». این اصل اخلاقی به طور مداوم در سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رعایت شده و توسط اهل بیت و صحابه ایشان، از جمله امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه) عمل شده است، که با توهین پیروانش در عراق به مردم شام، حتی در زمان جنگ و منازعه، مخالفت می‌کرد. او حتی خوارج را، با وجود تجاوزاتشان علیه او و یارانش، چنین توصیف کرد: «آنها برادران ما هستند که علیه ما طغیان کرده‌اند.»
- هرگونه آزار و اذیت نسبت به یک مسلمان، خواه به دلیل فرقه، قومیت، زبان، ملیت، عقاید، مواضع تاریخی، یا تفسیرهای علمی او، طبق اجماع آرا ممنوع است. پس چقدر بدتر است اشکال شدیدتر تجاوز، مانند قتل، آوارگی اجباری، و سایر اعمال ظالمانه علیه جان، اموال، و حقوق مقدس مردم؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، در حدیثی که با دقت تأیید شده و مورد پذیرش تمام مکاتب اسلامی است، به تمام مسلمانان فرمان می‌دهد: «لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِزُّهُ.» یعنی «حسادت نکنید، تظاهر به مناقصه (در معاملات) نکنید، دوستی یکدیگر را از دست ندهید، رویگردان از یکدیگر نشوید، و بعضی از شما معامله‌ای را که دیگری قبلاً انجام داده است، خراب نکند. و باید بندگان خدا برادر یکدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان دیگر است؛ او را ظلم نکند و کوچک نشمارد. هر چیزی از مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: جان او، مال او و حرمت او.»
- تلاش برای جذب پیروان یک مکتب اسلامی به مکتبی دیگر از طریق مشوق‌های مالی، فعالیت‌های تبلیغی، یا تلاش‌های نهادی، هیچ نفعی برای امت ندارد. برعکس، این امر موجب نفاق و برافروختن اختلافات داخلی در جوامع اسلامی می‌شود و در نهایت تنها به نفع دشمنان اسلام است.

کسانی که در چنین فعالیت‌هایی مشارکت دارند باید درنگ کرده و تأمل نمایند. چه سود واقعی یا خیر بزرگتری از تغییر مکتب فکری یک فرد یا یک گروه حاصل می‌شود؟ چه مزیت ملموسی برای مکتبی که به آن تبدیل می‌شوند به همراه دارد؟ چه پیامدهایی از معرفی یک فرقه جدید مذهبی در یک جامعه مسلمان با ثبات تاریخی یا در کشوری که مدت‌ها از یک مکتب فکری خاص به عنوان پایه وحدت و نظم اجتماعی خود پیروی کرده است، به وجود می‌آید؟

چنین اقداماتی، جدا از اینکه عامل نفاق و تنش‌های مجدد میان مسلمانان می‌باشند، هیچ هدف عملی را دنبال نمی‌کنند. آنها نه چشم‌انداز کلی مذهبی امت یا ساختارهای عمیق فرقه‌ای آن را تغییر خواهند داد، و نه ایمان یا واقعیت اجتماعی آن را به شکل معناداری دگرگون خواهند ساخت.

- پیش از ورود به گفتگوی بین ادیان و تفاهم و آشنایی متقابل میان ملت‌ها در پاسخ به فراخوان بزرگتر قرآنی، ابتدا باید تلاشی صادقانه برای تقویت تفاهم درون اسلامی میان مکاتب فکری مختلف اسلامی صورت پذیرد. برداشتن موانع روانی و از میان برداشتن سوءتفاهم‌ها و کلیشه‌های متقابل که توسط فرقه‌های مختلف نگهداری می‌شوند، تنها از طریق تعامل مستقیم و یادگیری متقابل امکان‌پذیر است؛ با مطالعه علمای به رسمیت شناخته شده هر مکتب، بررسی مشارکت‌های فکری و علمی آنها، و گنجاندن آثار آنها در برنامه درسی مطالعات اسلامی و مؤسسات دینی.

با این حال، این تلاش ضروری - که هم از نظر دینی و هم فکری لازم است - متأسفانه توسط تلاش‌های تبلیغی که به دنبال گسترش آموزه‌های خاص در جوامعی هستند که از نظر تاریخی در آنها حضور ندارند، مختل می‌شود. چنین اقداماتی کار علمای صادقی را که برای تفاهم متقابل و همکاری در امت تلاش می‌کنند، مسدود می‌سازد.

- ما معتقدیم که رفتارهای نادرست یا اظهارات نامناسب برخی افراد مرتبط با فرقه‌های خاص، به هیچ وجه نشان‌دهنده بازنمایی اصیل آن مکاتب یا علمای آنها نیست. علاوه بر این، اعمال برخی مبلغان، سخنرانان، و شخصیت‌های دینی - که ممکن است دانش کافی از ترکیب متنوع امت، تکامل تاریخی، و واقعیت‌های معاصر آن را نداشته باشند - اغلب منجر به قضاوت‌های عجولانه، ناعادلانه و تعمیم‌های گسترده می‌شود. چنین قضاوت‌های نادرستی، تهدیدی جدی برای وحدت، انسجام و ثبات بلندمدت امت اسلامی ایجاد می‌کند.

اصول و ارزش‌ها برای تحقق برادری اسلامی

با توجه به ملاحظات پیشین، و با هدایت این اصول بنیادین، «فراخوان اهل قبله» اعلام می‌دارد که دستیابی به اهداف آن و احیای روح حقیقی امت متحد، مستلزم پایبندی به تعدادی از اصول و ارزش‌های فراگیر و اقدامات ضروری است که ما مشتاقانه و صادقانه از تمام مسلمانان می‌خواهیم آنها را بپذیرند:

▪ **اول، تقویت تفاهم و همکاری:** تلاش برای تحقق برادری دینی میان تمام مسلمانان وظیفه‌ای است که هر مسلمان - صرف نظر از مکتب فکری او - باید فعالانه به آن پایبند باشد. این امر مستلزم تعهدی خلل‌ناپذیر به اصل بنیادین برادری مبتنی بر ایمان است که به تقویت وحدت امت اسلامی برای نسل‌های آینده کمک می‌کند.

▪ **دوم، تجدید گفتمان اسلامی برای از بین بردن نزاع فرقه‌ای:** اصلاح گفتمان دینی برای ریشه‌کن کردن نفاق و به حاشیه راندن صداهای افراطی در تمام مکاتب اسلام - کسانی که بر ترویج تکفیر، خصومت، توهین و آزار اصرار دارند - ضروری است. چنین افراد و گروه‌هایی، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه، وحدت امت را تجزیه کرده و اختلافات داخلی را تشدید می‌کنند.

تجدید گفتمان دینی باید در اصول وحدت‌بخش امت، به ویژه توحید خالص (پرستش خداوند یکتا بدون هیچ شریکی) - اساس اعتقاد اسلامی و اصلی که وحدت امت را ضروری می‌سازد - لنگر انداخته باشد. گفته شده است که اسلام در دو اصل اساسی خلاصه می‌شود: توحید (یگانگی خدا) و توحید کلمه (وحدت امت). علاوه بر این، گفتمان اسلامی باید بر موارد زیر تأکید کند: تزکیه نفس انسان برای توانمندسازی آن در انجام امانت الهی، ترویج شکوفایی انسانی و توسعه تمدنی در جوامع و ملت‌های مسلمان، و برقراری عدالت در تمام سطوح - به عنوان چارچوبی جامع که روابط درون امت و با جهان گسترده‌تر را تنظیم می‌کند.

▪ **سوم، یکی از ضروری‌ترین وظایف امروز این است که این است که مراجع دینی، دانشگاهی، فکری و رسانه‌ای با هم کار کنند تا فرهنگ نفرت و کینه را میان مسلمانان ریشه‌کن سازند.** این فضای سمی موجب فاجعه شده و تراژدی‌های ماندگاری در امت به جا گذاشته است که آثار آن همچنان در اذهان بسیاری باقی است.

▪ **چهارم، هیچ مکتب فکری اسلامی از لغزش‌های تفسیری یا احکام فقهی مشتق از استدلال علمی که ممکن است دیگر برای زمان ما مناسب نباشد و بنابراین نیازمند بازنگری و تجدیدنظر است، مصون نیست.** پرداختن به این مسائل مستلزم حکمت و شجاعت است - انجام انتقاد از خود، اعتراف آشکار به اشتباهات، و شناسایی منابع آنها، حتی اگر مستلزم ارزیابی مجدد نظرات علمای محترم باشد. در نهایت، حقیقت باید بر وابستگی یا وفاداری اولویت داشته باشد.

علما همچنین باید از شخصی سازی برخی دیدگاه‌ها و نظرات که بیش از حد تقدیس شده‌اند و مانع تفکر انتقادی و ارزیابی مجدد فکری می‌شوند، دست بردارند. این گرایش مانع از آن می‌شود که علما آشکارا حقیقت را تصدیق کنند و بر تبادلات ثمربخشی که قبلاً میان مراجع دینی برجسته رخ داده است، بنا نهند. بسیاری از علمای برجسته از سنت‌های مختلف اسلامی در تحقیقات مستمر شرکت کرده، فرصت‌هایی را برای گفتگوی سازنده گسترش داده، و مباحثات علمی را تسهیل کرده‌اند که به غنای فکری و معنوی جوامع مسلمان کمک می‌کند.

گشودگی حقیقی و گفتگوی صادقانه میان علمای پیشرو و مراجع دینی مکاتب مختلف اسلامی امروز، به شدت مورد نیاز است. علما باید تلاش‌های اسلاف خود را از سر گیرند، از جمله علمای برجسته سنت‌های مختلف که در یادگیری و گفتمان فرافرقه‌ای شرکت کرده‌اند. نمونه بارز آن دانشگاه الازهر است که به طور تاریخی تمام مکاتب فکری اسلامی را در برنامه درسی خود گنجانده و تا به امروز هر هشت مکتب اصلی فقهی را تدریس می‌کند. به طور مشابه، حوزه‌های علمیه قم و نجف، تفکر اهل سنت را در برنامه‌های درسی خود گنجانده‌اند، در حالی که مؤسسات عمان، یمن و سایر مناطق مدت‌هاست که با سنت‌های متعدد اسلامی در کنار مکتب فکری غالب در جوامع خود تعامل دارند.

■ **پنجم،** تمایل علمای مسلمان و نخبگان فکری به شرکت در گفتگوی باز و تقویت تفاهم متقابل، کارآمدترین راه برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در میان مسلمانان است که آنها را به سوی وحدت و برادری هدایت می‌کند. امت اسلامی امروز به شکل تازه‌ای از گفتگو نیاز دارد که با اهداف مشترک سازگار باشد و رفاه مسلمانان امروز و آینده را در اولویت قرار دهد. این گفتگو باید بر دانش دقیق و تعامل صادقانه با مکاتب فکری مختلف مبتنی باشد و اطمینان حاصل کند که نظرات منتسب به دیگران با صداقت منتقل و منصفانه قضاوت می‌شود. فرهنگ اجتهاد جمعی باید از طریق آکادمی‌های تحقیقات اسلامی و نهادهای فتوا نهادینه شده و به اجرا درآید تا احکام مبتنی بر اجماع در مورد مسائل عمومی نوظهور توسعه یابد.

■ **ششم،** گفتگویی که امت امروز به آن نیاز دارد، مباحثه‌ای فرقه‌ای نیست که به دنبال بازسازی هویت مسلمانان یا انحلال مکاتب کلامی دیرینه باشد. بلکه باید گفتگویی عقلانی و سازنده متمرکز بر کشف زمینه‌های مشترک گسترده میان مکاتب فکری اسلامی باشد - مشترکاتی که وحدت امت را تأیید مجدد می‌کند و راه‌حل‌های عملی برای مقابله با چالش‌های معاصر ارائه می‌دهد. در این راستا، نهادهای دینی، به ویژه در تدوین فتواهای مسئولانه و وحدت‌بخش که به اختلافات فرقه‌ای و عقیدتی به گونه‌ای می‌پردازند که امت را تقویت می‌کند نه تقسیم، نقشی حیاتی دارند. این امر همچنین مستلزم حفظ احترام متقابل میان مکاتب فکری است که اجازه می‌دهد تنوع مشروع کلامی و تفاوت در

استدلال حقوقی و تفسیرهای متنی وجود داشته باشد. هر مسلمان باید اخلاق گفتگو را رعایت کند که شامل احترام به شخصیت‌ها و نمادهای محترم تمام سنت‌های اسلامی و خودداری از اظهارات توهین‌آمیز در مورد دیدگاه‌های علمی و نظرات مختلف است.

▪ **هفتم،** نهادهای بزرگ علمی اسلامی تشویق می‌شوند تا ابتکار عمل تحقیقاتی جامعی را برای مستندسازی تمام حوزه‌های اجماع عقیدتی، حقوقی و اخلاقی میان مسلمانان آغاز کنند. این اصول مشترک که در وحی الهی و میراث فکری اسلامی ریشه دارند، گسترده و اساسی برای هویت جمعی امت هستند. این ابتکار (که به عنوان دایرةالمعارف وحدت اسلامی) در نظر گرفته شده است) باید با مشارکت علمای پیشرو از تمام سنت‌های اسلامی، از جمله علمای سنی، شیعه، اباضی و زیدی باشد. چنین پروژه‌ای به طور قابل توجهی خودآگاهی امت را افزایش داده، تفاهم متقابل را تقویت نموده، چشم‌انداز فکری و فرهنگی آن را غنی ساخته، و پیام جهانی واحد اسلامی را تقویت خواهد کرد.

▪ **هشتم،** ضروری است که علما و مراجع دینی امت موضع روشن و قاطعی در برابر بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های مسلمانان - خواه از طریق مشوق‌های مالی، اجبار، یا اطلاعات نادرست - برای متقاعد کردن آنها به پذیرش وابستگی فرقه‌ای متفاوت یا مکتب فکری دیگر، اتخاذ کنند. چنین اقداماتی عمیقاً مضر هستند و منجر به تفرقه، نفاق و درگیری فرقه‌ای در امت می‌شوند.

▪ **نهم،** پیام و گفتمان اسلامی باید از دستکاری سیاسی و فشارهای منافع حزبی و ملی محافظت شود. رقابت‌ها و درگیری‌های سیاسی برخی افراد و گروه‌ها را به تحریف اصول دینی برای دستاوردهای کوتاه‌مدت سوق داده است، حتی تا حدی که آموزه‌های اسلامی را برای خدمت به دستورکارهای حزبی بد جلوه می‌دهند. علاوه بر این، خطابه‌های التهاب‌آمیز، خواه متوجه زندگان باشد یا درگذشتگان، باید به طور قاطع رد شود.

در این راستا، رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران، و پلتفرم‌های دیجیتال مسئولیت اخلاقی عمیقی در برابر خداوند، امت و مخاطبان گسترده‌تر خود دارند. آنها باید از دامن زدن به اختلافات خودداری کنند، به ویژه کسانی که نقش قابل توجهی در تشدید تنش‌ها میان مسلمانان داشته‌اند.

▪ **دهم،** این فراخوان شامل تمام اجزای امت است، صرف نظر از فرقه، مکتب فکری، یا مرجعیت دینی، گشوده است تا اصول آن را تأیید، ارزش‌های آن را بپذیرند، و در اجرای آنها همکاری کنند.

سخن پایانی:

علی‌رغم وضعیت موجود، دلیلی برای ناامیدی از وضعیت کنونی امت اسلامی وجود ندارد. با هدایت الهی، امت همچنان کاملاً قادر به دستیابی به وحدت و برخاستن مجدد است، همانطور که بارها در طول تاریخ غنی خود انجام داده است. به خواست خداوند، و از طریق فداکاری علما، مراجع دینی، و رهبران فکری صادق خود، امت همواره پتانسیل بازیابی نقش تمدنی خود در جهان امروز و انجام رسالت الهی خود برای بشریت در هر عصری را خواهد داشت.

خداوند متعال به ما توفیق عطا فرماید و ما را به راه راست هدایت نماید. تنها او منبع قدرت ماست، و بر او توکل می‌کنیم. به راستی، او بهترین یاری‌دهنده و سرپرست نهایی این تلاش نجیبانه است.